

آشنایی اجمالی با

روش تربیتی

آیت الله سعادت پرور (ره)

ویراست اول

www.nomov.ir



قرآن کریم:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۱

«وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدَ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»^۲

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ»^{۳ ۴}

روایات:

* امیر المؤمنین (علیه السلام): «وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يَذْكُرُوهُمْ مَنْسِي نِعْمَتِهِ»^۵

* امیر المؤمنین (علیه السلام): «إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ وَ بَرَسُولُهُ وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ فَإِنَّهُ ذِرْوَةُ الْإِسْلَامِ وَ كَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ فَإِنَّهَا الْفِطْرَةُ»^۶

* امیر المؤمنین (علیه السلام): «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ وَ هُوَ عِلْمٌ مَعْرِفَةُ النَّفْسِ وَ فِيهِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ»^۷

مقدمه

مطالبه‌ای را که ولی فقیه زمان، حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) از قشری که وظیفه تربیت دینی جامعه - بالخصوص حوزه‌های علمیه- بر عهده دارند، تربیت جوان مومن انقلابی می‌باشد. تربیت فردی که جوان بوده، ایمان داشته باشد و انقلابی باشد. مفهوم شناسی تک تک الفاظ این گزاره اگر به طور جد، مورد تدقیق واقع گردد مسیر تربیتی مدنظر معظم له برای تکامل نیروی انسانی مورد نظر از لحاظ کمی و کیفی جهت پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی که همان تشکیل دولت اسلامی در این مرحله از فرآیند انقلاب می‌باشد، واضح و نمایان خواهد گردید. مولفه «جوان بودن» به دلیل وضوح کامل و مولفه «انقلابی بودن» به دلیل خارج بودن از هدف نگارش این کتابچه، مورد بررسی و تامل قرار نگرفته و تنها مولفه «ایمان» مورد بررسی و تعمیق قرار خواهد گرفت. ایمانی که برای یک جوان مومن انقلابی مورد نیاز است ایمانی است که موجب می‌شود در هیچ یک از لحظات، صحنه‌های بحرانی و فتنه‌انگیز، دچار تردید و تزلزل نشده و بتواند به عنوان فرقان، فرد را در راستای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی راهنما و راهبر باشد. چنین مرحله‌ای از ایمان باید ابتدا در درون خود آن فرد به طور تام و کامل ایجاد گردد تا بعد بتواند از آن در مسیر تربیت جامعه نیز استفاده کافی را برده باشد. شکوفایی فطرت قوی‌ترین و استوارترین راه رسیدن به ایمان مذکور یعنی همان منزلت عبودیت حضرت حق است و راهی است میان‌بر که تحصیل آن برای عموم اقشار و اشخاص از هر نژاد و زبان و صاحب هر عنوان و موقعیتی، میسر می‌باشد. به طوری که با دقت و تدبر در آیات فطرت، رموز و راهکارهای عملیاتی مفید فراوانی برای فعالان امور تربیتی و آموزشی و سیاسی و مدیریتی کشف می‌شود.

۱ - سوره روم، ۳۰

۲ - سوره یس، ۲۲

۳ - سوره مائده، ۱۰۵

۴ - المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص: ۱۶۲

۵ - نهج البلاغه، خطبه ۱

۶ - نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰

۷ - بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲، ص: ۳۲

تربیت فطری از منظر امامین انقلاب

امام خمینی (ره) در نامه‌ای به خانم فاطمه طباطبایی می‌فرمایند:

«از کجا شروع کنم؟ بهتر آن است از فطرت باشد "فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ"

در فطرت و خلقت، انسان امکان ندارد به غیر کمال مطلق توجه کند و دل ببندد، همه جان‌ها و دل‌ها به سوی اویند و جز او نجویند و نخواهند جُست.

به فطرت، انسان عاشق کمال مطلق است و در کمال‌های ناقص آنچه می‌خواهد کمال آن است نه نقص، که فطرت از آن مُنْزَجِر است، و حجاب‌های ظلمانی و نورانی است که انسان را به اشتباه می‌اندازد. و تا انسان در حجاب خود است و به خود سرگرم است و حَرَقُ حُجُبِ حَتَّى حُجِبَ نوری را نکرده، فطرتش محجوب است»^۱.

امام خمینی (ره) در جای دیگر می‌فرمایند:

* «حق - تبارک و تعالی - به عنایت ازلی و رحمت واسعه انبیاء عظام - علیهم السلام - را برای تربیت بشر فرستاد و کتب آسمانی را فرو فرستاد تا آنها از خارج، کمک به فطرت داخلیه کنند، و نفس را از این غلاف غلیظ نجات دهند. و از این جهت، احکام آسمانی و آیات باهرات الهی و دستورات انبیاء عظام و اولیاء کرام، بر طبق نقشه فطرت و طریقه جبّلت بنا نهاده شده، و تمام احکام الهی به طریق کلی به دو مقصد منقسم شود که یکی، اصلی و استقلال؛ و دیگر فرعی و تبعی است، و جمیع دستورات الهیه به این دو مقصد، یا بی‌واسطه یا با واسطه، رجوع کند.

مقصد اول - که اصلی است و استقلال - توجه دادن فطرت است به کمال مطلق، که حق - جلّ و علا - و شئون ذاتیه و صفاتیّه و افعالیّه او است که مباحث مبدأ و معاد و مقاصد ربوبیّت از ایمان باللّه و کتب و رسل و ملائکه و يوم الآخره، و أهمّ و عمده مراتب سلوک نفسانی و بسیاری از فروع احکام از قبیل مهمّات صلاه و حج، به این مقصد مربوط است، یا بی‌واسطه یا با واسطه.

مقصد دوم - که عرضی و تبعی است - تنفر دادن فطرت است از شجره خبیثه دنیا و طبیعت که امّ النقائص و امّ الأمراض است.

و این دو مقصد، مطابق نقشه فطرت است، چنانچه دانستی که در انسان دو فطرت است: فطرت عشق به کمال، و فطرت تنفر از نقص. پس جمیع احکام شرایع مربوط به فطرت است و برای تخلص فطرت از حُجُبِ ظلمانیه طبیعت است»^۲.

* «امروز این انقلاب از درون مردم می‌جوشد و از فطرت آنان برمی‌خیزد»^۳.

۱ - صحیفه امام، ج ۱۸، ص: ۴۴۲

۲ - شرح حدیث «جنود عقل و جهل»، متن، ص: ۷۹

۳ - صحیفه امام، ج ۵، ص: ۸۱

امام خامنه‌ای مدظله العالی نیز در مقاطع گوناگون بر این مسئله تاکید دارند:

«اینکه ما به تبع قرآن و با تعلیم قرآن می‌گوئیم اسلام دین فطرت است، یعنی این. آن راهی را که اسلام در مقابل بشر می‌گذارد، راه فطرت است؛ راه برآوردن نیازهای فطری انسان است».^۱

«امروز حرکت انقلاب، هدفهای انقلاب، همان چیزهائی است که در روز اول ترسیم شد و امام بزرگوار و حکیم ما آنها را ترسیم کرد. این هدفها با فطرت مردم هماهنگ بود، لذا مردم آن را گرفتند؛ و آلا دل میلیونها مردم را به یک سمتی متوجه کردن، کار عادایی نیست. وقتی کسی با فطرت سخن میگوید، از خدا حرف میزند، فطرتها به او متوجه میشود».^۲

«راه جذب جوانها تصرف دل جوان است. دل جوان یک قیامتی است، اوضاعی است. گرایش جوان به معنویت یکی از آن رازهای بزرگ الهی است. یک حرف معنوی را برای امثال بنده که بگویند، خب گوش می‌کنم، حداکثر اندکی تأثیر پیدا می‌کنم، آلا همان حرف را به یک جوان بزنند، منقلب میشود، از این رو به آن رو میشود. دل جوان حقیقت‌پذیر است، دل جوان به فطرت الهی نزدیک است؛ فطرت الله الّتی فطر الناس علیها. (۱۵) دل جوان با نصایح و مطالب معنوی و سلوکی و عرفانی انس پیدا میکند، زود انس پیدا میکند، زود دل‌باخته و دلبسته میشود؛ جاذبه‌ی جوانها اینها است. شما سخن را، حرف را، اقدام را با معنویت، با عرفان واقعی، نه عرفانهای تخیلی و توهمی و صوری، یک مقداری آمیخته بکنید، خواهید دید جوان چطور مجذوب میشود و می‌آید. جاذبه‌ی جوان در مسجد اینها است. و آلا حالا یک وسیله‌ی بازی هم آنجا فراهم کردیم، گذاشتیم، خب اگر بنا است برای بازی بیاید، برود در باشگاه بازی کند».^۳

تهذیب نفس راه رسیدن به فطرت توحیدی

راهکار شناخت فطری حضرت حق و دستیابی به فطرت و همچنین شکوفایی آن، تزکیه و تربیت نفس است. تربیت نفس در تمام شئون مختلف و پیچیده زندگی بشر امروز، مورد نظر است. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در این خصوص می‌فرماید:

«خدای متعال بشر را طوری آفریده است که به تربیت احتیاج دارد. هم از بیرون باید او را تربیت کنند، هم از درون خودش باید خودش را تربیت کند. در مقوله مسائل معنوی، این تربیت، یکی تربیت فکر و قوای عقلانی اوست که محلّ این تربیت، تعلیم است و یکی تربیت نفس و قوای روحی و قوه غضبیّه و شهویه اوست که نام این تربیت، تزکیه است. اگر انسان تعلیم درست و تزکیه درست شود، همان ماده مستعدی است که در کارخانه مناسبی شکل مطلوب خود را پیدا کرده و به کمال رسیده است. هم در این نشئه وجود او منشأ برکت و خیر و مایه آبادی جهان و آبادی دل‌های انسانهاست، هم وقتی وارد نشئه دیگر شد و به عالم آخرت قدم گذارد، سرنوشت او همان سرنوشتی است که همه انسانها از اول تا امروز مشتاق آن بوده‌اند؛ یعنی نجات، زندگی ابدی سعادت‌مندانه و بهشت. لذا انبیاء از اول تا نبی مکرم خاتم (ص) هدف خود را تعلیم و تزکیه معین کرده‌اند: «یزکیهم و یعلمهم الکتاب والحکمه». انسان‌ها را، هم تربیت عقلانی و فکری می‌کنند و هم تربیت روحی. تمام عبادات و تکالیف شرعی‌ای که من و شما را امر کرده‌اند تا انجام دهیم، درحقیقت ابزارهای همین تزکیه یا همین تربیت است؛ برای این است که ما کامل شویم».^۴

۱ - بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث - ۱۹/۰۴/۱۳۸۹

۲ - بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان - ۲۸/۱۱/۱۳۸۸

۳ - بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران - ۳۱/۰۵/۱۳۹۵

۴ - خطبه‌های اولین نماز جمعه ماه مبارک رمضان؛ ۷۶/۱۰/۱۲

معظم له هدف اصلی در انقلاب اسلامی را نیز تزکیه نفس مطرح می کنند :

«آن مسأله ی اساسی که در انقلاب اسلامی هدف اعلی و والا به حساب می آمد و می آید، عبارت از تزکیه انسان است. همه چیز مقدمه ی تزکیه و طهارت آدمی است»^۱.

«اساس انقلاب اسلامی بر انسان سازی است؛ و انسان سازی در مرتبه اول، تعمیر دل و آباد کردن جان است.... هر کدامان در هر جا که هستیم، همت اولمان باید بر تکمیل نفس و تهذیب نفس و ساختن باطن و متحلی شدن به حلیه ی اخلاق الهی و معنوی باشد»^۲.

«نزدیک کردن خودتان به خدا، که هدف از خلقت ما این است ، هدف از زندگی این دنیا این است، هدف از مبارزه برای تشکیل حکومت اسلامی این است که انسان بتواند در ظلّ حکومت اسلامی خودش را به خدا نزدیک کند. هدف از عدالت اجتماعی حتی این است ... اما همین عدالت ، برای چیست ؟ برای این که در محیط عادلانه انسانها بتوانند راه بندگی خدا را بی مانع، بی اشکال، بی دغدغه بپیمایند. این است مسئله»^۳.

جریان اصیل تربیتی (جریان خاص الخاص)

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در بیانات خود ضمن تقدیر از مقام فقیه عارف سید علی قاضی طباطبایی (ره)، به جریان اصیل تربیتی اشاره نموده و از این جریان با نام "جریان خاص الخاص" یاد می کنند؛ جریانی که مرحوم قاضی (ره) یکی از تربیت یافتگان این جریان اصیل اسلامی می باشند:

«مهم ترین مسئله در این باب، این است که ما در بین سلسله علمی فقهی و حکمی خودمان در حوزه های علمیه -در این صراط مستقیم- یک گذرگاه و جریان خاص الخاص داریم که می تواند برای همه الگو باشد، هم برای علما الگو باشد - علمای بزرگ و کوچک - هم برای آحاد مردم و هم برای جوان ها؛ میتوانند واقعاً الگو باشند. اینها کسانی هستند که به پایبندی به ظواهر اکتفاء نکردند، در طریق معرفت و طریق سلوک و طریق توحید تلاش کردند مجاهدت کردند کار کردند، و به مقامات عالیہ رسیدند. مهم این است که این حرکت عظیم سلوکی و ریاضتی را نه با طرق من درآوردی و تخیلی - مثل بعضی از سلسله ها و دکان های تصوّف و عرفان و مانند این ها - بلکه صرفاً از طریق شرع مقدّس آن هم با خبرویت بالا، به دست آوردند»^۴.

این حرکت تربیتی را امام خامنه ای (مد ظله العالی) به عنوان یک الگوی منطبق بر شرع مقدس اسلام معرفی می نمایند؛ الگویی که تعلق به طیف خاصی ندارد و می تواند الگوی تربیتی برای آحاد مردم جامعه باشد.

امام خامنه ای (مد ظله العالی) ریشه های این جریان تربیتی و شجره طیبه - که از ملا حسینقلی همدانی آغاز می گردد - را اینگونه بیان می کنند:

«عرفان، همان مرحوم قاضی است؛ مرحوم ملا حسینقلی همدانی است؛ مرحوم سید احمد کربلائی است؛ عرفان واقعی اینهاست. مرحوم آقای طباطبائی خودش فیلسوف بود، اهل فلسفه بود، بلاشک در عرفان هم وارد بود؛ منتها آنچه که

۱ - بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم - ۱۳۷۰/۸/۱۰

۲ - بیانات در دیدار مردم قم - ۱۳۷۰/۱۰/۱۹

۳ - سخنرانی در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۰

۴ - بیانات در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۲۶

در عرفان از ایشان معهود است، عرفان عملی است؛ یعنی سلوک، دستور، تربیت شاگرد؛ شاگرد به معنای سالک. عرفان نظری باید به سلوک بینجامد.^۱

«شاگردهای مرحوم آقای قاضی هر جا که بودند، مایه‌ی برکت شدند؛ یک نمونه‌اش مرحوم علامه‌ی طباطبایی (رضوان الله تعالی علیه) که قم را روشن کرد؛ در جاهای دیگر، هر جا شاگردهای ایشان بودند، مرکز معنویت و مرکز اشعاع روحانیت بودند. نمیشود اینها را ندیده گرفت. طلبه‌ها را نصیحت کنید. طلبه‌ها را به تفکر، تأمل، ذکر موت و پرهیز از درس خواندن و تلاش کردن برای رسیدن به مقامات عالی برای جلب توجه مردم به سمت خود، هدایت کنید. طلبه‌ها درس بخوانند الله، فی الله و بالله؛ این آن وقت می‌شود حوزه‌ی با برکت».^۲

از تربیت یافتگان این جریان خاص الخاص و شاگردان علامه طباطبایی (ره) می‌توان به مرحوم آیت الله سعادت پرور پهلوانی تهرانی اشاره کرد. ایشان را می‌توان به حق از مروجان و مربیان این شیوه تربیتی توحیدی که شاگردان زیادی را تربیت نموده، به شمار آورد. ایشان در بین شاگردان علامه طباطبایی (ره) علاوه بر این که خودشان خوشه‌چین خرمن معرفت و معنویت علامه بوده‌اند، مربی و مروج این جریان بوده و این بُعد از شخصیت ایشان در پیام امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) به مناسبت رحلت ایشان مورد توجه و تایید معظم له بوده است.

«بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسن آقای پهلوانی تهرانی (دامت برکاته) با تأسف و تأثر، خبر رحلت برادر بزرگوارتان عالم عامل و عارف پارسا و پرهیزکار مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی آقا پهلوانی تهرانی را دریافت کردم. آن بزرگوار، عمر طیب و طاهر و همراه با تلاش مبارکی را، در تعلیم و ترویج معارف الهی و توحیدی گذراندند، و نمونه‌ای از صفا و اخلاص بودند. امید است، لطف و فضل الهی، و مغفرت و رحمتی که به بندگان صالح خود وعده فرموده است، شامل حال این بنده پاک و بی‌آلایش باشد. اینجانب به جنابعالی و خانواده محترم و مکرم ایشان صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم.

والسلام علیکم ورحمة الله

سید علی خامنه‌ای^۳

آشنایی مختصر با زندگی‌نامه آیت الله سعادت پرور (پهلوانی تهرانی)

در سال ۱۳۰۵ در خانواده‌ای مذهبی در تهران به دنیا آمد و در سنین کودکی به مکتب رفت و مقدمات علوم دینی را نزد شیخ محمدحسین زاهد (ره) و مرحوم آقا شیخ علی اکبر برهان (از شاگردان مرحوم سید علی قاضی) فراگرفت و برای ادامه تحصیل به قم مشرف و ضمن فراگیری علوم حوزه (شامل فقه، اصول و فلسفه) نزد مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (ره)، امام خمینی (ره)، علامه طباطبایی (رحم الله) به خصوص با شخصیت معنوی علامه طباطبایی (رض) آشنا گردید و پس از اندک زمان گمشده خود را در وجود آن بزرگوار یافت. شوق و اشتیاق و جدیت ایشان باعث شد، علامه طباطبایی (قدس سرّه)، بالاخره ایشان را به شاگردی معنوی و روحانی بپذیرند. بدین ترتیب، نفس زکیه، جان شیفته و قلب طاهر آیت الله سعادت پرور (قدس سرّه) تقدیم به این عالم ربّانی، پیر معنوی و مرشد

۱ - بیانات در تاریخ ۲۳/۱۱/۱۳۹۱

۲ - بیانات در تاریخ ۲/۰۸/۱۳۸۹

۳ - پیام در تاریخ ۱۳۸۳/۰۹/۰۷

روحانی شد تا جایی که نفس کیمیاگر حضرت علامه طباطبایی (قدّس سرّه)، پله به پله این شاگرد مستعد را به منازل توحیدی رهنمون گشته، باعث شد قله‌هایی از معارف حقّه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) را فتح کند.^۱ در واقع، باید گفت، شاکله و شخصیت معنوی و سلوک توحیدی استاد سعادت پرور (قدّس سرّه) به طور عمیقی تحت تأثیر سلوک توحیدی و نظام تربیتی و معرفتی حضرت علامه طباطبایی (قدّس سرّه) و بر مبنای قرآن و سنت شکل گرفته است. همچنین شخصیت دیگری که در تکمیل ابعاد شخصیتی ایشان می‌توان نام برد، حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد؛ به طوری که ایشان در مقدمه کتاب سراسر از این دو بزرگ‌مرد الهی به عنوان حجت بالغه و نشانه هدایتگر بر مردم در عصر حاضر نام برده و این چنین می‌فرمایند:

«خداوند متعال در عصر ما با خلق دو حجت بالغه و نشانه هدایتگر بر مردم منت نهاد و راه رسیدن به حقیقت را به نوری ظلمت شکن روشن ساخت: یکی از آن دو حجت، بزرگ‌مرد میدان علم و عمل، میدان دار توانای علوم عقلی و نقلی، عارف باللّه و محبوب خدا و اولیاء خدا، احیاگر دین و ایمان و برپادارنده ولایت و حکومت اسلامی، و نجات دهنده کشور از چنگال پادشاهان پس از قرن‌ها ستمگری، آیت اعظم پروردگار و حجت خدا بر اهل زمین در این زمان، حضرت امام سید روح اللّه موسوی خمینی - رضوان اللّه تعالی علیه - است و دیگری نابغه زمان، گشاینده گره‌های فهم سنت و قرآن، شناگر بی بدیل دریای معارف الهی و آموزگار آنها، بزرگ‌مرد میدان علم و عمل، میدان دار توانای علوم عقلی و نقلی، زنده کننده حوزه‌های علمیه، مایه فخر اهل تحقیق و معرفت، صاحب تفسیر شریف «المیزان» و کتابهای ارزشمند دیگر، آیت حق و دین و حجت خدا بر اهل فهم و یقین، سید محمد حسین قاضی طباطبایی تبریزی - رضوان اللّه تعالی علیه - است».

آیت الله سعادت پرور در زمان حیات علامه طباطبایی (ره) و با اجازه ایشان به تربیت اخلاق سالکان راه حق همت گماشت و تمام عمر شریف خویش را صرف این مهم نمود. بنابراین ایشان از نسل سلسله جلیله شاگردان آیت الله قاضی (ره) و مرحوم علامه طباطبایی (ره) و از ستارگان پرفروغ جریان خاص الخاص تربیتی می‌باشند.

روش تربیتی آیت الله سعادت پرور (قدّس سرّه)

بعد از سالیان طولانی تهذیب نفس و اشتغال به ریاضتهای علمی و عملی، و استفاده از محضر حضرت علامه طباطبایی (قدّس سرّه)، خود از مشعل داران مکتب تربیتی و تهذیبی این سلسله جلیله شد؛ سلسله‌ای که در نهایت به مرحوم، عارف کامل و جامع علم و عمل و شهود، مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی (قدّس سرّه) منتهی می‌شود. بزرگانی چون حضرات آیات: آقا میرزا جواد ملکی، آقا شیخ محمد بهاری، آقا سید احمد کربلایی، آقا سید علی قاضی (رضوان الله تعالی علیهم)، که با تفقه و تعمق جامع در معارف اهل بیت (علیهم السلام) توانستند یک جریان توحیدی و هدایتی بسیار عمیق را در حوزه‌های علمیه نجف و قم به یادگار بگذارند؛ به طوری که هر یک، از درخشانترین و نام آورترین افراد این سلسله جلیله توحیدی و تهذیبی می‌باشند. حضرت آیت الله سعادت پرور (قدّس سرّه)، از جمله عالمان وارسته و بزرگی بود که با اشتیاق، همت و استقامت والا، گام در طریق روحانی و سفر معنوی نهاده و در منزل توحید، تمکّن پیدا کرده بود. استاد سعادت پرور (قدّس سرّه) توجه خاصی به تهذیب نفس و مسائل سیر و سلوکی طلاب، دانشجویان و سایر اقشار جامعه داشت و عمر شریف خود را وقف این مسئولیت الهی کرده بود. ایشان در این راه که راه انبیا و اولیا است، از

هیچ تلاش و کوششی فروگذار نمی‌کرد. همت والای این عالم وارسته تا جایی بود که حتی در روزهای کهولت و بیماری نیز به هیچ وجه، ارتباط سلوکی، درس و جلسات معنوی و روحانی خود را تعطیل نکرد و تا آخرین روزهای عمر شریفش با شور و اشتیاق و تعهد الهی، و با مهر و محبت وصف ناشدنی، به تربیت شاگردان خود ادامه داد.^۱

تایید امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) بر روش تربیتی آیت الله سعادۃ پرور (ره)

امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) در معرفی مسیر تربیتی و تهذیبی استاد سعادۃ پرور (قدس سره) در دیدار با خانواده و شاگردان تربیتی آن بزرگوار این چنین فرمودند:

«طهارت و پاکیزگی واقعی این آشیخ علی آقا- الان هم نزدیک ۸۰ سال سنشون بود به نظرم بلی ۷۸-۷۷ سال- و با زهد و تقوا، زهد، یعنی زهد واقعی، بی رغبتی به دنیا، همچین به معنای حقیقی کلمه، در این مرد وجود داشت. این‌ها دیگه همین خوبان زمان ما هستند دیگر، ماها نمیشناسیمشون این‌ها رو. ما همین که تو جریان عادی زندگی سیر می‌کنیم، خیال می‌کنیم دنیا همین هست. در حالی که در این عمق‌ها چیزها هست. الان هم هست. یک روایت داریم: «ان الله اخفی اربعه فی اربعه» یکی اش همین. بندگان خاص خودش رو در بین آحاد مردم پنهان کرده. میان میشینند، جمعیت های زیاد. آدم باهاشون حرف میزنه هیچ به باطنشون راه پیدا نمی‌کنه انسان، در حالی که اون باطن، می‌بینی یک دریایی است، غوغایی است. اون باطن که گردون‌ها و گیتی هاست ملک آن جهانی را، ملک دل را. مرحوم آقای آشیخ علی آقا (سعادۃ پرور) همینطور در خانه نشسته بود و می‌رفتند این دوستان و مریدان و رفقای ایشان و همین راه را، کانال را، در دل‌های اینها همینطور ذره ذره باز می‌کردند شاگردانی که گفتم اینگونه [بودند] هرکس به قدر استعدادش بهره می‌برد».^۲

با بررسی عمیق و دقت بیشتر در تعبیرات مقام معظم رهبری مد ظله العالی در بزرگداشت مقام این عارف بزرگوار - که قبلاً مطرح شد- و مقایسه آن با بیانات معظم له در خصوص دیگر علمای ربانی می‌توان این چنین نتیجه گیری کرد: امام خامنه‌ای مد ظله العالی علاوه بر عنایت ویژه به عظمت مقام این ولی الهی، تاییدکننده جریان ترویجی تربیتی ایشان می‌باشند^۳ که در همان سیر تربیت خاص الخاص - که مطرح کرده‌اند- بوده و مورد توجه و عنایت ایشان می‌باشد.

۱ - برگرفته از یاد نامه عارف موحد آیت الله سعادۃ پرور (پهلوانی) - سایت نورمگز

۲ - بیانات در دیدار خانواده و شاگردان مرحوم آیت الله سعادۃ پرور (ره)

۳ - تعبیر «تعلیم و ترویج معارف توحیدی» در پیام تسلیت ایشان